

هفته‌نامه



سال اول - شماره ۲۵
سه شنبه ۲۱ اسفند ۱۳۵۸
نکته شماره ۱۰ ریال

روزه انتخابات

رهائی

انتخابات

شرکت؟ عدم شرکت؟ لیست مشترک؟

مروری بر مواضع

انتخابات

شُرکت؟ عدم شُرکت؟ ایست مشتری ک؟

مروری بر مواضع

در اس است که در موازیه مفاع و زبانه کدام بکرحان دارد . این امر بزمکردد به ارربایی از احتمالات حرکت اجتماعی که هسکن بجز بست کوبان قادر به ابراز نظرسر طعی نیست . وما البته هسکن بستکو نیستیم .

و بالاخره نکنه آخری که فعل از شروع بحثانند تذکر داده شود اینست که سازمان ما ستا همواره در مورد مصمم کمرسهای ساسی مهم با همه اعضاء و غالب هواداران که در تماس نسکلایی بوده اند صورت مکرده است و هم ارکان و مرجع سازمانی حق مصمم کبری به نیابت از اعضاء را ندانند است . ما معتقد به انفصال عمل و انحناب نمایندگان نام الاختیار و نظار آن سووده و نیستیم و حقوی ساسی اعضاء را صرفنظر از مسئولیت سازمانی مطلقا بکسان دانسته و نه آن سخنانستیم . معهدا در مورد اخر اس امر بدرسی انجام بگرفت . انکالات کنیکی در تماس ، همراه با عدم آگاهی از وجود نظرات متفاوت در مورد مسئله موجب شد که سرمفاله رهائی ۲۲ بعنوان نظر همه سازمان سلیمی بود . و حقدر جای حوسجی است که اولین رفتی که به آن اعتراض کرد از هنت تحریریه حواس که نظر او را بسببز حابکنید که طبعاً موافقت وئی درطول دو هفته ای که از اسرار رهائی گذشت تعداد اعضاء و هواداران معروض به حدی رسید که دیگر برای ما مهم نبود که چه نظراتی بظن اکثریت ست و با اقلیت است . مهم این بود که طبع تفاوت ارربایی تفاوت نظر در موضع کبری وجود دارد و باید کلا منعکس شود .

ما میدانیم که سنت سلنویکی ارائه نظرات مختلف از جانب تک سازمان در ایران وجود نداشته است و بجای آن سنت استالینیستی حزب نوده و جریانهای که همان منی سلطه گرانه را داسهاند بطوری " طبعی " تسلطاد شده که ایس اقدام ما برای عده ای از کمونسسها نا ماء نوی خواهد بود . بهمن دلیل ما اس مسئله را در محالی دیگر کاملاً سکافسه و ستناصل کمونسستی را ناد آوری خواهیم کرد . در اسجا بنها خطاب به کسانی که معتقدند " ارائه دو نظر از جانب تک سازمان موجب سردر کمی سووده ها مستود " تذکر میدهم که آن " سووده ای " که نباید نظر مخالف را بشود و کرسه " کج " میشود ، سووده ای نیست که مورد نظر کمونسسها برای سسج باشد . اگر عده ای معتقدند که " سووده " باید فقط یک نظر را بداند که بدینال آن باید بایده آنها گفت که سووده خود را در حنسن کمونسستی میداند ، چه شرط اساسی سسج کمونسسها اغلاً آگاهی است و نه " سسشوی مغزی " . کمو-

موضعگیری رهائی شماره ۲۲ در مورد انتخابات مجلس سورا یک سلسله بحثها و مخالفتهائی را از طرف باره ای از اعضاء و هواداران سازمان موجب شد . این مخالفتها از روانای مختلف انجام میگرفت و خود موجب دامن زدن به سلسله بحثهائی شد که بسیار آموزنده بود . سرو ایس بحثها مصمم کردیم که اهم نکات را در معرض قضاوت همس حسابران قرار دهیم . سنظر ما ارائه نکات مساوند برای همگان مفید باشد و از جانب دیگر اس امر در انطابق با یک درک و برداس با سابعه ماست که به آن اشاره خواهد شد . مطابق اس درک در تک سازمان کمونسسی غیر استالینینی در عین حال که وجود وحدانیدئولوژیک امری ضروری و مسلم است معهدا وجود اختلاف در تئوریهها و ساسا برداسهای مختلف و با مبران درجات متفاوت نکند سسب مطالب کوبا کون به نتها امری طبیعی و درست است بلکه خلاف آن با ساسی از بانیس بودن سطح تئوریک و دانش افراد است و با ساسه سلطه کرائی کراس عالی و عدم اجاره اسرار نظر به کراسهای دیگر . سباین طبعی است که سسرای کسانی مابند ما که در ادامه سبیل سوکی کوبا هسبب سسب و روسهای سورو کراسک و " وحدت نظری " کاذب را مطلقاً غیر کمونسسی و ترورسی ارربایی میکنند ، ایجاد امکسان مساوی برای ارائه نظرات متفاوت امری فایل استعمال است . باید لازم به تذکر باند که اس امکان همیشه در سازمان ما وجود دانسه است ولی همواره حنان سووده که سسار بحثهای اقباعی در مورد نظرات متفاوت همواره اتفاق نظر حاصل مید و لهدا نظرات اعلام شده نظرات کل سازمان و نه نظر اکثریت بود . اس بار اما سنظر سرسد که طبعیت سسب سسب سسب در جو اجتماع و سسبکی فوق العاده و اسها مسسات مختلف در برخی از بدیده های اجتماع ، ارزبایی از باره ای از مسائل که به آنها اشاره خواهد رفت متفاوت است و سسب سسب تفاوت در ارربایی بصورت تفاوت در سسجه کسبری ظاهر میشود .

ایما اس مسئله حالت سوچه و شانان تذکر است که نکاتی که نظرات مختلف ارائه میکنند حملگی مورد موافقت مخالفن همان نظرات هستند ، تفاوت در نکات ارائه شده سسب بلکه در میزان ارربن نکات است یعنی تفاوت در سسب فی الملل همه رفعا مواقی هسبند که وجود تک اقلیت حد در مجلس هوائدی در رابطه با ایجاد سسهل برای حرکات دموکراسیک در خارج از مجلس دارد . و نیز همه رفعا مواقی با زسا سهای احتمالی اس شرکت در شرایط خاص هسبند . تفاوت بنها

بسیها بخواهند کسی را بفرستد ، آنها بخواهند با کسی بپیاز حقایق هتکس را " نسج " کنند . آنها به بدهها اعتماد دارند و معتقدند که حق تخصیص را " بررکیر " های خودکمارده بست که در میان خود جدل کنند و بسعد نظرات اکبریت " بزركان " را بعنوان حقیقت مطلق به خود " بده " دهد . اس بوهین به بده ، دروغ کوئی و فریبکاری است . بدون برید کم اطلاع برین عنصر " بده " بر خود راستی برین " صاحب نظر " بر مدعا رجحان دارد . ار دیدگاه کمونیستی رجحان دارد و نه البته از دیدگاه " ولانت کمونیستی " .

* * *

در رهائی شماره ۲۲ ذکر کرده بودیم که ترکست در انتخابات مجلس شورای ملی بشرط وجود شرایط دمکراسک در انتخابات میتواند کامی در راه همکاری اصولی بیروهای حسابد .

اسن موضع ار حد حشه مورد انتقاد قرار گرفته است . ۱- با در نظر گرفتن آنکه ما باکنون تمام مابورهای انتخاباتی رژیم را نمی و بحرم کرده ایم ، لزوم شرکت در اس انتخابات با دلایل ذکر شده امکان افساء کری درازمدت ، امکان کمیده حسن دیویر نسک ، اتحاد عمل ح ، خوشبری

کننده توانین ارتجاعی است ، حر سواری است . " بوضیحا باید ناکند کنیم که ما در اسحا از ابوزیسیون مرفی سخن کفسم . اسن امر که باره ای از سارمانهای فعلا مرفی (که بحث آنها را خواهیم کرد) ممکن است که در آسند ب دلایل اشکالات بینشی و ایدئولوژیک ، منی فاطع عبر ساری- کارانه را در پیش نگیرید ار اصولی بودن بحث حزبی منی- کاهد . اسن مسئله ای جدا است و به آن خواهیم پرداخت . مسئله استت که حتی یک فرد مرفی در داخل مجلس میتواند مزاحم های حدی برای ارتجاعون بوجود آورد . اسن را ارتجاعون با کوشش و بوس خود لمس میکنند و بهمین جهت با اتحاد " ناسیر " ارتجاعی اسحایاتی نظیر دو مرحله ای کردن اسحایات و نظایر آن می کوشند که مجلس " بکده سی " برتیب دهد و ار مزاحم های عناصر مرفی جلوگیری کنند . بوجه شود که ما ناکید کرده ایم که شرایط ایران بفسدتری تغیر یافته است که امکان بوجود آمدن زمینه مادی مناسب برای اسن نوع بهره برداریا متقی نیست . ما واقف هستیم که در حال حاضر زمینه حمایت بده ای ارتجاعیون و میزان قدرت واقعی و قدرت تصرفی آنها به حدی است که بک اقلیت مرفی ار همان ابتدا نتواند مواضع حندان کارائی داشته باشد . اسن را بر صداسم که باید بده ای ارتجاعی

ما میدانیم که سنت بلشویکی ارائه نظرات مختلف از جانب یک سازمان در ایران وجود نداشته است و بجای آن سنت استالینیستی حزب توده و جریانهایی که همان متلی سلطه گرانه را داشته اند بطوری طبیعی قلمداد شده که اقدام ما مبنی بر انتشار نظرات مختلف درون سازمانی برای همسدهای از کمونیستها تا مانوس خواهد بود .

برعد در حال محدود بدن است . اکبر بیروهای حساب بوسند خنشی ار بده بده را که ار ارتجاعون زده میشود بحای افغان در دام لبر- الهای ظاهر الصلاح (ولی انضا ارتجاعی) موجه بیروهای اصل کنند . در اسن حال ابوزیسیون مرفی مجلس میتواند بعنوان نیروی کمکی محسوب شود و فشار مبارزاتی بده های رحمتکس را ب داخل مجلس بیر منتقل کند . طبیعی است که در هر حال مبارزه اصلی آن حزبی است که در من ، در بطن ، جریان دارد . مبارزه اصلی مبارزه بده ای سیما اسن است . مبارزات پارلمانی تنها یک طرفه فرعی برای رساندن کم- است . نه تنها هیچ کمونیستی ، بلکه هیچ عنصر مرفی و سا نخریدای پارلمان را صحنه اصلی مبارزه نمیداند . پارلمان- بداریم امری متغور و متغور ار جانب کمونیستهاست . اما تفاوت مبارزه در پارلمان با پارلمان سارسم ، تفاوت رفورم با رفورسم است . هیچ کمونیستی ار اسک در اثر فشار بده ها رژیم محور نه رفورم در اسحا و آسحا شود ناجرسد نیست . اگر ۴۸ ساعت کار در اثر مبارزه تبدیل به ۴۵ ساعت شود که حزبی سن از یک اقدام اصلاحی ، یک رفورم نیست ، اسن امر مورد استعمال کمونیستهاست . کمونیستها همواره می کوشد که بده را برای گرفتن امتناز از رژیم

از باره ای ار بوظنه های رژیم ، امکان نه بریدن باره ای از مصوبات بیعزم زحمتکسان در شرایط خاص ،) کاملا اسان نمیشود .

۲- بررکاری انتخابات در شرایط دموکراسک در رژیم فعلی ممکن نیست .

۳- زمینه های معنی و ذهنی لازم برای همکاری اصولی بیرو- های حد وجود ندارد و اسن امر در شرایط فعلی یک بوهیم است . سن ار بحث فراوان بشرط مرسد که مقاله رهائی ۲۲ در بوسج باره ای ار نکات نارسا بده است و در یکی دو مورد بر اختلاف نظر وجود دارد .

در همان مقاله به مسئله تفاوت شرکت در فوه اجرائیه و معینه اناره بده است و عملکرد متفاوت شرکت در اسن دو رکن کوسرد بده است . در مقاله گفته میشود که :

" نفس یک ابوزیسیون مرفی بعنوان مانع و جلوگیری بصوب توانین ارتجاعی و بعنوان ابوزیسیون فکوه ارتجاعی اجرائی ، در فوه معینه ، میتواند بسیار برجسته گردد و اسن در سب نقطه مقابل نفس منصوراً مرفی در داخل قوای اجرائیه است . در مجلس ، ابوزیسیون محل کار دولت سرما بده داری و مانع بصوب توانین ارتجاعی است ، در حالیکه در کابینه ، اجرا

سبح کنید . این مسئله مورد احوالاتی نیست . اما نتواند
 رمای اسکار نبود که ندهد ای تصور کنید مرفا با محصور
 کردن رژیم به اعمال رفورم مسوان کلبه حواسهای رحمف .
 کمان را برآورده کرد ، و با آنکه همور بدر کنای تصور
 کند که محصور کردن رژیم به رفورم در داخل پارلمان صورت
 نگیرد ، کنای که میخواهد با رفورم امر طیفه کارگر را
 به نین برسد رفورمست و آنها که پارلمان را صحنه اصلی
 مبارزه میدانند پارلماننارست هستند . آنها را هر
 کمونستی میداند ، ولی اسرا! نیز هر کمونستی میداند که
 استفاده از پارلمان و سایر " موارس فاسوی " یعنی
 کتیک به مبارزات طبقاتی حی و وطنه او است . کمونستی که
 سواند دفاع از حقوق رحمکنان را به سکوی خطابه مجلس
 سبر نکند و این کار را بکند به بهانه اینکه " مجلس
 یکی از نهادهای بورژوازی " است ، حیری از مبارزه طبقاتی
 بقیهدد .

طبعی است که معنای معنی این حکم این خواهد بود که
 باید همواره طالب رفورم بود و با آنکه استفاده از سکوی
 خطابه مجلس در هر سراتلی مفید است ، مطلقا حسن نیست .
 این امر سبر ماسد همه امور دریک تحلیل کمونستی احساح
 بد بررسی محتار سراط احتماعی دارد . کمونستها و طیفه
 کارگر سبها سبروشتی نیستند که مبارزه طبقاتی میکنند . سایر
 سبروها سبر چه ندانند و چه ندانند درکنر مبارزه طبقاتی
 هستند . حی آنها اینکه مبارزه طبقاتی را سقی میکنند سبر
 بی آنکه ندانند درکنر مبارزه طیفه ... است .

حسند و این موضع آنها موضع طیفه مسلط است . در اینصورت
 آنحد که یعنی کلبه است تحلیل یک اقدام خاص در مواره
سبروهای طبقاتی است . باید دید این اقدام در کوبه مدت
 ودر درارمدت در مجموع ... سنع چه طیفه ای است . در سبر
 نطی که وضع بورژوازی حیان است که مایل به نسبت مومست
 خود ولو به نسبت دادن امتیازا . محصر و موفی بدسبروهای
 کارگری است . و در سراطی که محاسبه کمونستی سبر این
 مسئله را ناسد میکند . سبر سربدر پارلمان که هماسا
 اسناد بوهم در ذهن بوده و کتیک به نسبت رژیم است سبر
 منافع اسما کبرانه آن رحجان دارد . همحس در مواردی که
 فدر رژیم فائده و روسی اسنادی در اوج خود است ! کنر
 تحلیل مسحصان دهد که کمونستها عملا حرج بنحم درسکه و
 و مساطهکر نهادهای دولتی خواهد سد البته سربدر نا
 رلمان بی معنا و مصر است و اگر جز این ناسد ناسد سربدر
 کرد .

سهر حال این مسائل چنانکه گفته شد مسائلی روسس
 هستند حسه آنها همه از جمله مسائلی
 حسند که از رمانیکه مسئله تشکیل صف مستقل سبرولتاریا
 مطرح شد مورد سب بوده اند و مسائلی حل شده اند . لیکن
 سرجورد خود به این مسئله را در مورد سربدر و سبرو
 در اسجابات دوما مسوان سبوسه یک سرجورد کلاسک دس
 نکسکی سان داد و کسی جز آنان که سبحدگی مبارزه طبقاتی
 بی را درک نکرده بودند و سرامسهم به سباص کوشی نکرد .
 از ما سنوال شده است که مگر این سبکه مجلس

حیرکان سز مجلس مقینه بود سس چرا سربدر آنرا نادرسد
 سمرسد . جواب ما است :

الف - مجلس حیرکان به مفهوم وانی در حکم مجلس مقینه نبود .
 این مجلس فقط یک ماه فرصت داشت ؛ که البته سمدد ... سد
 و رسالت آن فرموله کردن آرمانهای روحانیت و فاسوی
 کردن آنها بود . این مجلس ، مجلس موسان نبود کس
 نهادی مقینه ناسد و اصرار رژیم سستی سبر روز حیان کردن آن
 حیای مجلس موسان هم از همین حی ناسی سمد . سس
 داسه ناسم که سعار ما " سبرم مجلس حیرکان و سبکسل
 مجلس موسان " بود . اگر سرار بود که این دو سرتی سا
 هم نداسه و هر دو نهادی مقینه ناسد دسکر به حدال ما
 معنائی داسد و به آسبمه اصرار و سلب رژیم که مسحواس
 به عیاصر نا آگاه وامود کند که این هم در حقیقت همان
 مجلس موسان است . سس از یک انقلاب سبرورسد سمانسدکان
 همه سبروهای سبکه در انقلاب سربدر داسه ناسد ، سمانسدکان
 طبقات و اسرار مختلف ، سرای سبظم فاسون اساسی حدسد در
 یک مجلس موسان . موسان ، حدال طبقاتی خود را در سس
 فاسون می کناسند . کمونستها به سبها سبواسند و ناسد
 نسبت به این حدال بی اعیبا سمانسد بلکه وطنه دارند که
 با سمام سبرو در آن سربدر کنند . حی در دوران سس از
 انقلاب ، رمانیکه سوارن و نسبت فدر سبروها در عرصه
 احتماعی مشخص شده و هموز یک طیفه حاکم کلبه سبادهای
 فدر را سبغه نکرده است کمونستها مسواسند و ناسد در
 سایر ارکان و محمله فدر احرائه سربدر کنند و نکوسدکه
 سبروزاری و حرده سبروزاری را در این عرصه سبر محدود
 و محصور کنند و به عقب سراسند . اما از آنجا که انقلاب
 ما یک انقلاب ساسی سبم سبم سبم بود حکومت (دولت مومست
 انقلابی !) سبر حیری سبز حکومت حیاب ساررکان در ناسد و
 مجلس موسان سبم سبم سبم مدال به مجلس حیرکان سب .

الب اسساح است که سرحی از کرد اسسدکان رژیم می کوسد
 که طین سب فائله خود مجلس سورای ملی را سبر مدال سب
 مجلس سورای اسلامی کند . اما سراط از رمان سبکسل مطاس
 حیرکان نا کتون بقدری سبیر ناسه است که این حواس در
 حد یک آرزو ساسی ماسده و سوان اسحام آن سرای رژیم وجود
 ناسد . سساری ناسر اسساحی که می کوسد این حواس
 را در عمل نا انداره رنادی برآورده کند در مقابل سارر
 مردم نارای مقاومت سباصند و عملا مسسوح سبسد . در سب
 سبمسن دلیل بود که ما در همان سرمقاله رهائی ۲۲ مسئله
وجود سراط دموکراسیک را سراط اساسی و سبروری سربدر در
انتخابات داسسبم . سقاوت وجود نا فقدان سراط دموکرا -
 یک سبفادل سقاوت سورای ملی نا مجلس سورای اسلامی سبسی
 است . حال نکدار " صدای جمهوری اسلامی " نکوبد " مجلس
 سورای ملی نا به سبیر امام مجلس سورای اسلامی " و سبس
 طریقی سبرو را نا سبلی سرح کنند . این همان اسدلالی
 است که مسکت مجلس حیرکان هم همان مجلس موسان است ولی
 آنسدر سرای سبروری یکی اسدال به حرج داد .
 ب - مسئله دسکر به همان اندازه مهم سقاوت سراط احتماعی
 آن زمان و این رمان است . همانطور که به کرات گفته اسم

در ناموس مارکسیستی در مورد شرکت با عدم شرکت هیچ اصل حیثان مبنای وجود ندارد و همه چیز وابسته به تحلیل صحیح است. آنرا که مسئله "دامن ردن به توهم بوده‌ها" را اصل ترا کنیز و همواره درست و حیثان مبنای می‌داند. مارکسیسم را به حد یک جرم ساده‌گرایانه دو دنیا چهارپائی تحلیل می‌دهند. در حیثان اگر کلیه مسائلی که در بند الفیسر مطرح کردم وجود ندارد، با این همه سنوآل اساسی باشد این مینود کد بقا و برابط زمان ابعاد مجلس حدسرتکان و مجلس شورای ملی را حسو کند و به اینکه نکوید خون در یکی شرکت نکردم در دیگری هم نباید شرکت کنیم.

اینها در درون سازمان مورد انقاف نظرد امیبا در اررانی باره‌ای از نکاتی که ذکر خواهد شد انقاف نظر نسبت به اینها عبارتند از:

۱- انتخابات مجلس شورای ملی با حد حد دموکراسیک است؟

۲- فوآند شرکت در مجلس در مقابل مخراب آن ز کسبه علاوه بر مسئله توهم بوده‌ها بد شرکت با مزدهای نیروهای مرفعی بر وابسته است / حقدر است؟

مسئله‌اند جلو ورود یعنی از ناماسدگان مرفعی را از سیر- بناپا بگیرد از این حیث خاص شرکت در انتخابات همسور بلا مانع است. ولی باره‌ای از رهنا اثر مخوئنه برابط غیر دموکراسیک را سیر اررانی می‌کند و معتقدند به این غلبه سیر بعنوان یک اقدام اغراضی نسبت به احداثیات رژیم (البند همراه با استدلال دیگر که ذکر خواهد شد) باید در این انتخابات شرکت کرد.

۳- وضع نیروهای مرفعی، موارد فوآند و مصار

عدای از نیروهای حد و محمله ما همواره بر همکامی نیروهای حد در مسائل سایر نیروها اصرار ورزیده‌ام. این همکامی میوآست در نفی و با در بندرس برآمد خاص صورت کرد. حقیقه رد با حقیقه مرفعی حرکت در برابط محص میوآست مورد استعمال نیروهای حد قرار گیرد. در حقیقت انتخابات اصرار از آنجا که رهائی ۲۲ شرکت در انتخابات را بلا مانع می‌داند و از آنجا که اکثریت مرفعی به انقاف نیروهای حد حس موصی داند سایر اسان امکان همکامی مظاهر سیر از کدسه جلو می‌کند. در این مورد عده‌ای از سروزها و محمله ما برای اتحاد یک حد بن حد و در صورت

لنین بر خورد باین مسئله را در مورد شرکت و تحریم شرکت در انتخابات دوما بعنوان نمونه‌ی یک برخورد کلاسیک دیالکتیکی نشان داد و کسی جز آنانگسه پیچیدگی مبارزه طبقاتی را درک نکرده بودند، وی را متهم به تناقض گوئی نکرد

۳- این امر در رابطه با اتحاد عمل حد حقیقی دارد؛ در زیر سعی می‌کنیم اهم استدلال محیلنرا ذکر کنیم.

۱- در مورد دموکراسیک بودن یا نبودن انتخابات

رژیم در موارد مکرری از اعمال بداسر نظلی برای جلوگیری از ورود ناماسدگان مرفعی محبور به عقب‌نشینی شده است. مسئله مسلحان بودن ناماسده عملا معنی شده و بر جلاباطیار نظر وریر کشور که کونا عدم بندرس باره ای از کاندیدها خاطر مسلحان نبودن با کمونست بودن آنها بوده است عملا تعدادی نامرد کمونست وجود دارد. البته بوضوح این امر که حیرا عدای از کمونستها حد شده اند و عده‌ای شده اند روس نیست و اندوآریم که حیس باشد که عده ای از کمونستها خود را در برنامده‌های انتخاباتی، مسلحان حارده باشد، در حیس برابطی کار همه ما با کرام‌الکا - حیس است. مهمترین بداسر غیر دموکراسیک بانی ما بدد یکی دو مرحله‌ای بودن انتخابات است که حقدر زیر صرسته نیروهای مخالف قرار گرفته و دیگری اصراری بودن امکانات صدا و سمای حاسیان نظر راده در دست باشد حاکم است.

مسئله اساسی انتخابات که در برابطی که رژیم محبور به عقب‌نشینی شده است و برابط موجود امکان ورود عده‌ای از ناماسدگان مخالفه مجلس هست آنرا باید عقب‌نشینی رژیم را کافی برای شرکت دانست یا نه. در اینجا عده‌ای از رهنا معتقدند - انا که دو مرحله‌ای بودن انتخابات علیرغم حیثان آن در عمل سیر شامل بهران مینود و این استخدام

امکان اراند یک برآمد شرکت اقدام کردم اما عملا سیر و نابع سان داد که برابط حد کلا ماسد گذشته است و کنا - رنعم و کونه نظری همور سلطا رواقعی است. حلیا اینکه برای اتحاد همکامی مسعد بد در عمل برمه‌ای سایر شاورد. عده‌ای از سازمانها در حرف در ضرورت همکامی سخن می‌کنند و در برناب خود فراخوان همکاری می‌داند اما در عمل بناسنی کاندیدهای خود را در خارج اعلام می‌کردند!! دریغ است که کفه سود حلیا برمه‌ای نداشت. حدامل برمه کار این بود که برای بار مدم فهمیده بود حیثان بران هنوز حقدود سامده است. که همور هم به کفه ما در رهائی "برابط عینی با دهی و باید هم هر دو " برای اتحاد عمل حد وجود ندارد. و این، البته، بمرله آن نیست که باید از اس حیثان دست بست، بلکه بمعنی آنست که دانشه بود کونستی برای اتحاد باید مسعدال با وجود رمنه برای بحث اتحاد باید و کونه مسدل به بوطئه‌گری مینود.

در میان سایر سازمانهای مرفعی، سازمان حرکتیهای عدائی که روز بروز کمتر ناسته این صف مینوند و مدتیا است که خطی میان خود و سایر سازمانها کشیده و خط میان خود و جزب شده و نیروهای وابسته به رژیم را مراحیم حقیقی داده و برداشته اند، بکلیف خود را بکسره کرده و کاندیدهای خود را اعلام مینودند.

سازمان محاهدس حلی ایران بر نخب همان بهار - همه یکی خواستار حمایت حدار خود بد ولی از حمایت کردن

ارح" معذور" مانند چرا که باید از آنها بذریعت کسب انسان مخلوق دارند و برایشان بد میشود از حیث حمایت کنند! بد نساکه حداز آنها حمایت کند ولی بد است که آنها از حیث حمایت کنند. بهر حال این موضع تازکی ندارد و در ناره ان قنلا سخن گفتام .

با این فواصل بحر یک اختلاف کوچک با اعلام سه نامزد از جنب حزبی حاصل نشده است. برنامه ای که فرار بود منتور همکاری حسود سفله شده و حزبی مبار نیاورده است. در چنین شرایطی چگونه باید برخورد کرد .

برای کسانی که شرکت در انتخابات را محار میدانند به راه وجود دارد .

۱- حمایت از کاندیداهای اختلاف کوچک .

۲- حمایت از کاندیداهای اختلافی با صافه کاندیداهای سایر گروههایی که موضع فاطم در مقابل رژیم دارند .

۳- حمایت از کاندیداهای اختلاف کوچک و نیز حمایت از کاندیداهای سایر سازمانهای صرفی که به سیر دلیل و لاسو دلایل ناموجه ، راهها کاندیدا داده اند .

۴- حمایت از کاندیداهای اختلاف کوچک برای کسانی که شرکت در انتخابات را محار میدانند اراد اساسی ندارد . البته فلک افراد ، فقدان برنامه منجم ، روشهای غیر رفقا در اعلام کاندیداها و نیز شخصیت مبارزاتی آنها مائلی است که باید بی توجه از آن گذشت و اینها هر یک ارزشهای خاصی خود را دارد .

در شرایطی که تعداد نامزدهای اختلافی و تراط با - مردی آنها چنان است که گفته شد ، حمایت از سایر نامزد هائی که مستقلا از جانب سایر سازمانهای که موضع فاطمی در مقابل رژیم دارند نیز بلامانع است و در حقیقت دو راه اول اشاره شده در فوق به یک راه حل تقلیل می باید .

۲- مسئله اساسی از دیدگاه کسانی که شرکت در انتخابات را محار میدانند اینست که آیا باید از نامزدهای سازمان جریکهای فدائی خلق و سازمان مجاهدین خلق حمایت کرد یا نه . بنظر میرسد که این مسئله ملحوظ مخلف اهمیت بسیار دارد و باید بر آن ناء مل کرد .

عده ای از رفقا معتقدند که صرف نظر از کرایش بر است سازمان جریکهای فدائی خلق ، صرف نظر از سکناریم حاکم بر این سازمان ، و نیز صرف نظر از مواقع " مباره " سازمان مجاهدین خلق ، وجود نمایندگان این سازمانها در مجلس

میتواند در نفوت بلوک اپوریسیون مؤثر اصند . این اپوریسیون حتی بخاطر منافع خود نده محبور است مدافع بوارین دموکراسی باشد ، و از آنجا که وجود یا فقدان (البته هر دو بسی) دموکراسی از نظر روند جنبش جیب و مبارزات کارگری مؤثر است ، باید از نامزدهای این دو سازمان نیز حمایت کرد . این رفقا نوجه میدهد که از آنجا که تعداد نمایندگان ثابت است عدم انتخاب این نامزدها در عمل برخلاف خواست همه موجب تقویت جناح ارجاعی میشود .

مسئله حمایت از نامزدهای سازمان فدائیان و مجاهدین البته بمعنای نبدیده انکاس این واقعیت که این اقدام مساوت در مورد برین جریک بواقع راست و سارشکارانه را سهیل کند و سکناریم آنها تقویت بخند ، و در مورد

مجاهدین بدیل خرده بورژوازی را در مقابل بدیل مسفل کارگری نفوت کند ، نیست . معیذا در این موازنه مضار و فوائد بنظر میرسد که فوائد بر مضار رجحان دارد چراست روی و سکناریم و نفوت بدیل خرده بورژوازی تابع معسر - های بیشماری است که تنها یکی از آن دانسن با ندانستن نماینده در مجلس است . اگر فرار است که چنین سوسنی در مقابل این سازمانها باشد وجود یا فقدان نمایندگان آنها در مجلس تاثیر تعیین کننده ای نخواهد داشت .



استدلال مقابل که نه در نکات بلکه در ارزیابی نکات

مفاوت است ، شرح زیر میباشد :

عده ای معتقدند که اگر درست است که بزرگترین نیروی جیب یعنی سازمان فدائیان خلق همچنان بی اغنا ، به سوسنت

جنبش براه خود مسرود و شار را به نهایت سکناریم رسانده است و اگر این هم درست است که ما در صورت تشکیل صف مسفل جیب باید از کاندیداهای این سازمان حمایت میکردیم ، پس در غیر این صورت هم پشتیبانی از نامزدهای انتخاباتی این سازمان عملا بمعنای کام برداشتن در راه ایجاد صف مسفل است . با این استدلال که چنانچه بدیل سکناریم حاکم بر سازمان یاد شده از حمایت کاندیداهای آن خودداری کنیم خود عملا در دام سکناریم کرفشار آمده ایم . بنظر ما با - پهای این دو استدلال بر مانی مستحکم استوار نیست .

نخست اینکه ، ایجاد صف مسفل جیب به هیچ رو به معنای اجماع ساده نیروهای جیب نیست . بعبارت دیگر اتحاد صف مسفل لزوما باید با یک برنامه عمل مشترک و مورد توافق همگان همراه باشد . در این حالت هر یک از نیروهای شرکت کننده ، در برنامه ریزیهای فعلی و آتی ، در تصمیم گیریها و ... سهم است . در غیر این صورت اساسا بازی به تشکیل صف مسفل نیست . دوم اینکه حمایت منفعلانه از یک سازمان درست بمعنای صحه گذاشتن بر برنامه ارائه شده از سوی آن است . در این خصوص باز هم توضیح خواهیم داد . در مورد استدلال دوم لازم به یادآوری است که حمایت سی فیدو شرط از کاندیداهای سازمان فدائیان خلق (و ایضا مجاهدین خلق) نه تنها کمکی به از میان بردن صغه سکناریستی این سازمانها نمیکند بلکه بحکم تحرید حتی میزان حقانیت این سازمانها را در نظر هواداران آنها افزایش میدهد . چرا که هم ما و هم موافقان شرکت در انتخابات دست کم از لحاظ نظری در صحت این نکته همدانستیم که افشای عملکردهای (مثلا سکناریمنی) یک سازمان با هرنیاد اجتماعی دیگری تنها با نوشتن و گفتن ممکن نمیگردد بلکه افشای عملکردها - نی از این دست باید عمدا از طریق افشای عملی آن در عرصه عمل اجتماعی صورت گیرد . آیا شرکت منفعلانه در انتخابات مجلس ثورا و حمایت از چنین نامزدهائی - با تکیه بر استدلالات یاد شده - حتی ذره ای این امکان را برای ما فراهم میکند ؟ بنظر ما شرکت منفعلانه در انتخابات نه تنها کمکی به دستیابی به این امکان نمیکند بلکه حتی به انحلال سیاسی

او البته نه تکبلائی (در سازمانهای دیگر می انجامد . این رو به کمان ما شرکت مضبوط در انتخابات نفاونی در اصل فضا ایجاد نمیکند ، چرا که شرکت منقلانہ سرحی از تیر- وهای چپ که برای شرکت خود بای بند اصولی هستید ، در آغاز مرزها را سیال و بهاینا هرکوبه حد و مرزی را از میان خواهد برد . در شرایطی که بر جنبش چپ پراکنده و تشکیلات حاکم است و چنانکه پیداست در جسم انداز آبی آن موادی از اتحاد - وحدت که جای خود دارد - به چشم نمی آید ، در شرایطی که بر کرکسین نیروی چپ می گویند تا از بالای سر دیگر نیروهای چپ با بخش " مترقی و ضد امپریالیستی هیئت حاکمه " اتحاد کند ، در شرایطی که سازش طبقاتی و اپوریو- نسیم (پوستیده و آنکار) بر بند بند پیکر از هم پاشیده جنبشش چپ - جنبش یک ابداع شده است ، و سیاسی زودی به گرایش مسیبلط سرجنبش کمونیستی بدل شده است می رود که بکسرہ دستاوردهای هفت سال مبارزه ی صلحانه و فخرآمیز جنبش را بر باد دهد حمایت از شرکت نامسندگان این سازمانها در مجلس سورا را (همدوس با بخش "مترقی و ضد امپریالیست هیات حاکمه") به وسیله یی برای بسپرد انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراسیک (؟) بدل یارد ، یاری، در چنین شرایطی حمایت از کاندید- اهای سازمان فدائیان خلق و محاهدین خلق (و نسخه بدلای ریکارد دیکر) بد سها به بوم بوده های مردم داس خواهد

بوده یی ترس نیروی چپ (مجلس سورا کمکی به تشکیلات جنبه یی چپ بطور اخص و نقیبت سهادهای دمکراسیک بطور اعم نخواهد کرد . صرف نظر از دلائلی که بسرا از اس از آن یاد شد ، اس خطر وجود دارد که فدائیان خلق با حفظ و پیسرد خط مسی کمونی خود- که به زحمات متوان سنا سها سنی از اعناء سماع تاریخی برولناریا و مردم رحمتکس در آن ناصت- شرکت در مجلس سورا را نه وسیله یی برای سازش یا تکبلی از هفت حاکمه علیه سحر دیکر آن بدل کند . در آن صورت نیروهای که از اس سازمان حمایت کرده اند چسبه تضمینی برای ریر فشار کداسس اس سازمان در سدارند . بنظر ما عطا هج صمیمی در احسار ندارد که حمایت از فدائیان خلق نه بر اساس یک سرامدی مسرک بلکه بر پایه یی حمایتی صفعل صورت گرفته است . سهمین دلیل طبیعی است که فدائیان هیچ مسئولیتی در سعال نیروهای حمایت کننده احسار نمیکند . مکر امتداد بود که شرکت و راهسای فدائیان خلق به مجلس سورا دست کم مایه نقیبت سهادهای دمکراسیک خواهد شد . به نظر ما با توجه به مواضع موجود و سرامت اراده شده از سوی سازمان فدائیان خلق انطال اس سندلال هم از پس روشن است . در برنامه یی حدافل (و البته نه حداکتر) فدائیان سنها از آزادی فعالیت سیاسی گروهها و احزاب مترقی سخن بمان آمده و در مواضع

بعلت تفاوت ارزیابی در عملکرد نیروهای اجتماعی و یا بعلت تفاوت در تاکیدهها ، با آنکه در اصول اساسی و نکات مهم توافق وجود دارد ، نتایج مختلف ارائه میشود . ما معتقدیم که سواداران سازمان ما با توجه به نکات ارائه شده قادر خواهند بود که بر مبنای ارزیابی خود از میان بدیلهای ارائه شده راه مورد نظر خود را انتخاب کنند .

رد بلکه- و در اس مرحله- بدیر از همه بوم بوده های سورا هم افراس خواهد داد . صرف ساسح کفیس بمسائل روزمره و سادیده کرکسین فرآیندی کسه در سسنا سحری جز در غلبیدن در ورطه یی سرامکراسیم و دوری کرکسین از اصول و برنامه یی سیاسی مشخص است . در عین حال روشن است که سها افراطی ترس بر اکما تسسها بیوسنه استدلولوزی را جیزی و سیاستهای روز را جیر دیکری مبداسد عافل از اسکه سیاستهای روزمره ، به در حساب محلف و در تحلیل سهائی ، از اصول منحصر سر جسبه میکبرد . کسانیکه در اوضاع و احوال کمونی سیاستهای خود را نه بر پایه یی تحلیل مشخص و ارزیابی صحیح نیروهای اجتماعی و سکه بر طبقاتی که سسج و سسکل آنها امر انقلاب اجتماعی را مسر میسازد بلکه بر اساس نیازهای روز بروز و زدوبند با این با آن جناح از هیات حاکمه و عملکرد از سالا ، سظیم میکسد ، بی تردید در بز نکا سهای تاریخی مشخص هم کاری سنی از آنچه ساکنون کرده اند صورت نخواهند داد . کدسته از این دلایل بسیاری در دست است که نشان مدهد راه یافتن سازمان فدائیان خلق (بعنوان بزرگترین و

دامنه یی از ادبها ساسی به گروههای "مترقی" محدود شده است . فدائیان در شرایطی از تحدید آرادبهای دمکراسیک سحر میکوسید که جامعه سوز در سسره ، قدرت سلاما ز سوزواری حرده سوزواری گرفتار است . تردیدی نیست که کمونیستها خواهان سرکوب احزاب سوزواری هستند منتهی تفاوت در زمان و شرایط این سرکوب و ترکیب طبقاتی حاکم بر جامعه است . سسکامکه حاکمیت سوزواری بر سراسر جامعه سابه افکنده است طرح حواسنهائی از این فیبل چه معناسنی مینواند دانسه باشد؟ البته بیدرتک باید افزود که فدائیان در شرایطی به طرح این خواست میسپردازند که هنوز سعار سرکوبی در شرایطی که شرط اصلی این سرکوب سعننی اسفرار دیکنا توری برولناریا سحقق پیدا نکسده است جز بمعنای زمیه سازی برای سازش با حرده سوزواری و "جناح مترقی و ضد امپریالیست هیات حاکمه" نیست . منی سازمان چریکهای فدائی خلق بزرگترین سهاهد این مدعاست که درک این سازمان از دموکراسی چیست . این سازمان ، هر نیروی دیگر مخالف با متی خود و حتی سازمانهای کمونیستی را لیبیرال میخواند ، لیبیرالها را

بدر از ارجاعون میسارد و سایر این طبعی است که از سرکوب این نیروها استقبال میکند. هنگامیکه سازمان فدائیان صراحتاً حیات برای نیروهای مرفعی از راویبندی دید خود فائل است طبعی است که دموکراسی مورد نظر از بغاوت آسکاری با دموکراسی مورد ادعای "جناح مسعود امیربالیست" هیئت حاکمه نخواهد داشت. هنگامیکه سازمان جریکهای فدائی خلق به مسیحت جریکهای فدائیی خلق در بررکداست ساجکل حمله میکند، هنگامیکه اعضا همین سازمان اعلامیههای سازمانیانی نظیر سازمان ما را از دیوار میکنند، هنگامیکه در نفاطی که قدرت دارد هر سروری سیاسی دیگر را سرکوب میکند و حتی بحسب سربات مخالف خود را مسموع میکنند (و اسرا ما نکراب خود تجربه کرده ایم)، همتا میگردانیم بحسب انبیا ماتی اساس میگویند سازمانهای مرفعی دیگر را در ذهن نودهی هوادار و بنخر خود بی اعتبار کنند... در جنین زمانی چگونه تصور میشود که نمایندگان این سازمان در مجلس مدافع دموکراسی باشند؟ این سازمان با چسب طرز تفکری اکثر قدرت بسیار داشتمار از روزگار سایر کمونیستها در مآورد. در قدرت نسبت و جنس میکند. بدا بروزی که در صعب "جناح مرفعی و صد امیربالیست" هیئت حاکمه بقدرت هم برسد.

البته ما معتقدیم که در این بازی خطرناک آنها علیرغم راستروی خود بقدرت هم نخواهد رسید. وانگست، اینست که خرده بورژوازی از یکسو میگویند تا با کمسک نیروهای جب قدرت بورژوازی را تصعیف کنند و از سوی دیگر اندکی پس از فراغدار این مبارزه، جب بحسب سرورونی است که مورد تهاجم نابودی قرار خواهد گرفت. سرپوست غم انگیز احزاب کمونیست عراق، سوریه، و... از باد نرفتنی است.

در مورد سازمان مجاهدین نیز باید افاضه کرد که همانگونه که حمایت نیروهای چپ از کاندیداتوری آنها، سناری از هواداران منزلزل و بحسب مهمی از نیروهای سیاسی را بطرف سازمان آنها سوق داد، بدون اینکه این سازمان حتی نیم کام بطرف جب حرکت کند (و ما اینرا در رهائی با فاطمیت گفته بودیم) حمایت از سازمانهای آنها، نیروهای هوادار و بینا بینی را به انضاد بشری خواهد کشید. مجاهدین پس از انتخابات

ریاست جمهوری به بنها به جب حرکت نکردند بلکه از مواج کمپارسی خود سر کاره نگریند و با عرمی راسخس بر راه خود ادامه میدهند.

البته بذکر این نکته اینجا بسست که عدم حمایت از سازمانهای مجاهدین در انتخابات بمعنای عدم حمایت از این سازمان در منابیل حاکمیت ارجاعی کسوتی نیست. دفاع از مجاهدین در منابیل نه احباب ارجاعیون و طبعی کسوتیستها بوده است و ما همواره بطوبیفی خود عمل کرده ایم. حملهی ارجاعیون باین علت که سازمان مجاهدین خلق را تک تبدیل محتمل میدانند سد نکریند است و باید ارجاعیون را اضا، و از مجاهدین دفاع کرد اما در هر حال اس نکند را از یاد بسرد که سپها با نکند بر عمل مسعل و یکپارچدی طبعی کارکر و انگا، بد نوده های وسیع مردم رحمکتش است که مسوان از سنوط در ورطعی جاننداری و دنبالدروی از یک جناح خرده بورژوازی علیه جناح دیگر و انخلال سیاسی در آن اجنبات کرد.



بدن طریق ملاحظه مننود که نعلت نفاوت ارجاعی در عملکرد نیروهای احماعی و ناعلت بغاوت در ناکبدها، نآنگددر اصول اساسی و نکات مهم نوافق وجود دارد، بد بسنجه گیری نفاوت ارائه مننود :

- ۱ - سرکدر انتخابات و حمایت از نمایندگان همه سازمانهای جد و مرفعی منخمله سازمان جریکهای فدائی خلق و مجاهدین خلق ایران .
 - ۲ - سرکدر انتخابات و حمایت از نمایندگان سازمانیانی که در منابیل رژیم موصع فاطم و غیر سازمانکارانه دارند و اس شامل سازمانهای سازمانهای جریکهای فدائی خلق و مجاهدین خلق مننود.
 - ۳ - عدم سرکدر انتخابات .
- ما امیدواریم که اگرچه در ارائه رهمود واحد، حد اقل در ارائه نحصار روانای کواکون حدمی انجام داده باسم . اس کاررا کل حسی جب نباید مکرر و نکرر . اس نوسه ادای سهم ماست در اس جریان . ما معتقدیم که هواداران سازمان بانوحد بد نکات ارائه نده قادر خواهند بود که بر منای ارجاعی خود از زمان بدلهای ارائه نده راه مورد نظر خود را احباب کنند .

مارکسیسم و حزب

اثر
جان مالینو

منتشر شد

هفته نامه

رهائی

نشریه سازمان وحدت کمونیستی